



## گوش سیوندی از دید همزمانی- تاریخی

لیلا عسگری

گوش سیوندی از دید همزمانی-تاریخی، ا.ک. مالچانوا، مسکو، مؤسسه زبان‌شناسی، فرهنگستان علوم روسیه، ۲۰۰۳، ۱۴۳ صفحه.

*Sivendi v sinkhronnom i istoricheskome osveshchenii*, Sost. E.K. Molchanova, Moskva Rossiiskaya akademiya nauk institut yazykoznaniya, 2003, 143 p.

سیوندی، گوش اهالی سیوند، منطقه‌ای تقریباً در ۸۰ کیلومتری شمال شیراز در استان فارس در جنوب غربی ایران است. این گوش متعلق به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی است. درباره پیشینه و خاستگاه گوش سیوندی نظریات گوناگونی مطرح شده است: به گمان آندریاس<sup>۱</sup> که لتس<sup>۲</sup>، میه<sup>۳</sup>، بنونیست، کریستنسن و مایرهورفر<sup>۴</sup> نیز آن را تأیید می‌کنند، گوش سیوندی ادامه زبان مادی است که در شمال غربی ایران رواج داشته است. این نظر متکی بر اطلاعات آواشناختی است. در زبان مادی و سیوندی، \*x، \*hu

1) ANDREAS, F.C., Christensen, A., *Iranische Dialektzeichnungen aus dem Nachlass*, von F.C. ANDREAS. Zusammen mit Kaj BARR und W.B. HENNING bearb. und hrsg. von Arthur CHRISTENSEN: Erster Teil: Sīvāndī, yāzdī und sōī. Abhandlungen der Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen. Phil.-hist. kl., 3. Folge. B., 1939, Nr. 11. (p. 16)

2) LENTZ, W., "Die nordiranische Elemente in der neupersischen Literatursprache bei Firdosi". *Zeitschrift für Indologie und Iranistik*. Leipzig, 1926, Bd. 4, H. 2. (p. 288)

3) MEILLET, A., *Grammaire du vieux-perse*. 2<sup>éd.</sup>, entièrement corrigée et augmentée par É. Benveniste, 1931. (p. 10)

4) MAYRHOFER, M., "Die Rekonstruktion des Medischen". *Anzeiger der osterreichischen Akademie der Wissenschaften*. Phil.-hist. kl.: Jg. 1968 (105), N.1. Wien, 1969 (p. 5)

ایرانی باستان (sv هندی باستان) به f بدل شده است. اما به نظر لکووک<sup>۵</sup> واژه‌هایی مانند farnah- در کتیبه‌های فارسی باستان می‌توانند از زبان دیگری به جز مادی گرفته شده باشند. به نظر او خاستگاه سیوندی‌زبانان را باید در مشرق ایران، در همسایگی گویشوران خوری جست. زیرا تحول \*hu، \*x < f در خوری نیز رخ داده است. به نظر ویندفور<sup>۶</sup>، گویشی در شمال شرق ایران نیای مشترک خوری و سیوندی بوده است. به نظر هوار<sup>۷</sup>، سیوندی به کردی شباهت دارد. بعدها آیلرز<sup>۸</sup> مطرح کرد که سیوندی در آغاز اقامتگاه کوچ‌نشینان بوده است و احتمالاً در آن هنگام که نیاکان سیوندیها به خواست رهبر خود به جنوب ایران کوچیدند، این منطقه بدین نام خوانده شده است. بنابراین، سیوندی جزیره‌زبانی مادیها در پارس نبوده، اما شاید اقامتگاه کردها و دقیق‌تر گورانیها در استان فارس در سده‌های میانه بوده است. سرانجام، نظریه‌ای بی‌اساس نیز مطرح گردیده است که نژاد سیوندیها را سامی می‌شمارد.

مطالعات سیوندی از اواخر قرن گذشته آغاز شده است. ایران‌شناسان غربی و نیز پژوهندگان روسی چندین مقاله و کتاب درباره‌ی این گویش منتشر کرده‌اند. شاید نوشته‌های آندریاس در ۱۸۷۸م از نخستین منابع گردآوری شده باشد که هم‌اکنون در کتابخانه دانشگاه گوتینگن نگهداری می‌شود. این نوشته‌ها درباره‌ی سیوندی، اهالی آن، پیشینه آن و مقاله کوتاهی درباره‌ی آواشناسی و صرف، به همراه واژه‌نامه‌ای مختصر و نیز فرهنگ تطبیقی سیوندی، یزدی، سویی است که در ۱۹۳۹م به کوشش کریستنسن<sup>۹</sup> منتشر شد.

در ۱۸۸۳م ژوکوفسکی<sup>۱۰</sup>، هنگامی که در ایران به سر می‌برد، چند متن را از فارسی

5) Lecoq, P., "Excursus: A propos du F«mède»", *Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband 10*. Berlin 1983.

6) Windfuhr, G.L., "Isoglosses: A Sketch on Persians and Parthians, Kurds and Medes". *Monumentum H.S. Nyberg, vol. 5. Téhéran-Liège*, 1975 (Acta Iranica)

7) Huart, Cl., "Le dialecte de sîwënd". *Journal asiatique*. P., IX-me sér. 1893 T. 1.

8) Eilers, W., *Westiranische Mundarten*. III: Die Mundart von Sîvând. Stuttgart, 1988.

9) → 1

10) Zhukovskii V.A., Materialy dlya izucheniya persidskikh narechiĭ. Ch. 2: Dialekty polocy goroda Semnana: Sengiser, Shemerzod. Dialekty polosy goroda isfagana: sede, gyaz, kyafron. Dialekty polocy goroda shiraza: Sivand, Abdui. Guranskiĭ dialekt drevni talakhedeshk. Narechiya evreev goroda kashana. Narechie derevni Tajrish. Vyp. I. 1. Teksty, 2 Slovar. Pg., 1922.

به سیوندی ترجمه کرد. این نوشته‌ها در ۱۹۲۲ م منتشر شد. در این فرهنگ جامع در کنار گوش‌های نو شمال غربی، مطالب فراوانی دربارهٔ واژگان و صورتهای صرفی افعال در سیوندی آمده است.

در ۱۸۹۳ م هوار<sup>۱۱</sup>، دست‌نوشته‌های دانشمند ایرانی، میرزا حسین تهرانی، را دربارهٔ گوش‌سیوندی منتشر کرد.

بعدها گایگر<sup>۱۲</sup> با بهره‌گیری از مطالب تهرانی-هوار، مقاله «گوش‌های مرکزی» را منتشر کرد. او در این اثر گوش‌سیوندی را جزء گوش‌های مرکزی برشمرده است.

مان<sup>۱۳</sup> در ۱۹۰۷ م افسانه‌ای سیوندی را همراه با چند واژه نوشت. هَدَنک در ۱۹۲۶ م این نوشته‌ها را همراه با یادداشتهایی دربارهٔ دستور سیوندی منتشر کرد. در این اثر هَدَنک آوانویسی ژوکوفسکی، تهرانی و مان را با یکدیگر مقایسه کرد. او پیش از این نیز در ۱۹۰۹ م دربارهٔ گوش‌سیوندی که ویژگی گوش‌های شمال غربی را دارد، مطالبی نوشته بود.

زالمان، ژوکوفسکی، ایوانف و ژماسکوویچ در ۱۹۱۲-۱۹۱۵ م دربارهٔ ادبیات عامیانه و گوش‌های ایرانی مطالبی گرد آوردند. در یکی از این آثار منتشرشده، چند رباعی به سیوندی وجود دارد<sup>۱۴</sup>. رماسکوویچ<sup>۱۵</sup> متنهایی دربارهٔ ادبیات عامیانهٔ سیوندی گرد آورد و چند رباعی و نیز ترجمهٔ روسی از چند قصهٔ سیوندی را در ۱۹۳۴ م منتشر کرد.<sup>۱۶</sup>

مورگنشتیرنه<sup>۱۷</sup> مطالعاتی بر روی آواشناسی و دستور سیوندی انجام داده است. او مطالب آندریاس، کریستنسن و ژوکوفسکی را بررسی کرده و چند واژه به مجموعهٔ واژه‌های قدیم افزوده است. مطالب او دربارهٔ سیوندی در مقاله‌ای که اختصاص به اسامی مختوم به a در زبانهای ایرانی غربی دارد، آمده است<sup>۱۸</sup>. مورگنشتیرنه<sup>۱۹</sup>، مانند

11) → 7

12) Geiger, W., "Kleinere Dialekte und Dialektgruppen III: Centrale Dialekte". *GIPh*. 1898-1901. Bd I, Abt. 2.

13) Mann, O., Hadank, K., *Kordisch-Persische Forschungen*. Abt. III: Nordwest-iranische Dialekte. Bd. I: Die Mundarten von khunsār, Mahallāt Natānz, Nayin, Sāmnān, Sīvānd und sō. Kōhrūd B., 1926.

14) Ivanov, V.A., "Neskol'ko obraztov persidskoī narodnoī poezii", *ZVORAO*, T. XXIII. Pg., 1915.

15) Romaskevich, 'A.A., "Persidskie narodnye chetverostishiya". II". *ZVORAO*. Pr., 1921 T. 25.

16) —. "Persidskie skazki". *Persidskie narodnye skazki*. Podbor, perev., primech. i vstup. stat'ya A.A. Pomaskevicha. M.L., 1934.

17) Morgenstierne, G., "Stray Notes on Persian Dialects". *NTS*. 1960 No. 19. (p. 134-139).

18) Morgenstierne, G., "Feminine Nouns in -a in Western Iranian Dialects", *A. Locust's Leg: Studies in*

ردار<sup>۲۰</sup>، ویژگی شمال غربی گویش سیوندی را تأیید کرده است. نخستین اثر مستقل از دید همزمانی درباره گویش سیوندی را لکوک<sup>۲۱</sup> در ۱۹۷۹ م منتشر کرد. او به هنگام دیدار از سیوند (۱۹۷۱-۱۹۷۳ م) مطالبی زبان‌شناختی از این گویش فراهم آورد. این اثر شامل یک مقدمه (درباره سیوند، مردم آن، اطلاعات جامعه‌شناختی درباره سیوندی، تاریخ مختصر مطالعات سیوندی) و سه فصل درباره دستور، متن و ترجمه آنها به زبان فرانسه، همراه با واژه‌نامه است. در سال ۱۹۸۹ م لکوک<sup>۲۲</sup>، مقاله فشرده و مختصری درباره دستور سیوندی و کتاب‌شناسی آن در *Compendium Linguarum Iranicarum* منتشر کرد. آیلرز<sup>۲۳</sup> نتایج حاصل از پژوهشهای خود را (پس از سه سفر به سیوند در ۱۹۳۳ م، ۱۹۳۹ م و ۱۹۷۹ م) در مجموعه‌ای که به گویشهای ایرانی غربی اختصاص داشت، در ۱۹۸۸ م، منتشر کرد. این اثر شامل مقدمه‌ای مفصل، دستور سیوندی، چند متن همراه با ترجمه و فهرست واژگان است. کتاب حاضر، اثر خانم مالچانوا نخستین اثر مستقل درباره گویش سیوندی به زبان روسی است که از دید همزمانی-تاریخی بررسی و نوشته شده است. خانم مالچانوا پژوهشگر مؤسسه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه است. او پیش از این مقالات متعددی درباره گویش سیوندی، در مجموعه‌های مختلف منتشر کرده است. مؤلف در اواخر ۱۹۷۳ م و اوایل ۱۹۷۴ م نخستین پژوهش خود را درباره گویش سیوندی، با گویشوری بومی، که در مسکو تحصیل می‌کرد، آغاز کرد. او با بهره جستن از این منبع متنهای ژوکوفسکی و مان را بررسی و تصحیح کرد و صورت صرفی برخی از فعلها را نوشت؛ نیز چندین متن از زبان فارسی و روسی به سیوندی ترجمه کرد. در ۱۹۹۷ م مالچانوا در پنجمین جلد از مجموعه مبانی زبان‌شناسی ایرانی، «دستور تاریخی سیوندی» را منتشر کرد<sup>۲۴</sup> و در سال ۱۹۹۹ م در دومین جلد از مجموعه زبانهای

→ honour of S.H. Taqizadeh . L., 1962.

19) MORGENSTIERNE, G., Neu-iranische Sprachen", *HbO*. 1958. Abt. 1, Bd. 4: Iranistik. Abschn 1. Linguistik. 20) REDARD, G., Other Iranian languages. *GTL*. The Hague, Paris, 1970. vol. 6.

21) LECOQ, P., Le dialecte de Sivand. Wiesbaden, 1979.

22) LECOQ, P., Les dialectes du centre de l'Iran, *CLI*. 1989.

23) → 8

24) MOLCHANOVA, E.K., "Onkotorykh foneticheskikh osobennostyakh sivendi", *Iranckoe yazykoznanie: (k 75-letiyu prof. V.I. Abaeva)*. M. 1976.

دنیای زبانهای ایرانی II، زبانهای ایرانی شمال غربی مقاله «زبان/گویش سیوندی» را که به مطالعه رده‌شناختی این گویش پرداخته منتشر کرد<sup>۲۵</sup>. او در سال ۲۰۰۱ نیز مقاله‌ای درباره حروف اضافه در سیوندی نوشت<sup>۲۶</sup>.

ساختار کتاب حاضر بر اساس منابع و نوشته‌های پژوهندگان گذشته و نیز نوشته‌های خود مؤلف است. کتاب دربر دارنده مطالب مفصل زبان‌شناختی درباره گویش سیوندی است و شامل مقدمه (ص ۵-۱۲)، بخش آواشناسی (ص ۱۳-۷۲)، صرف (ص ۷۳-۱۱۳)، واژگان (ص ۱۱۷-۱۱۹) و گزیده متون (ص ۱۲۰-۱۳۴) است. مؤلف در مقدمه، آگاهی‌های کلی درباره گویش سیوندی، تحول تاریخی آن و تاریخ مطالعات سیوندی به دست داده است. بخش آواشناسی به بررسی آواهای گویش سیوندی و تحولات تاریخی آنها می‌پردازد. فهرست این تحولات را می‌توان در پایان بخش آواشناسی (ص ۶۷-۷۰) مشاهده کرد. از دید تاریخی، در دستگاه آوایی سیوندی مصوت‌های بلند و کوتاه تفاوت داشته‌اند. در حالی که در سیوندی معاصر تقابل مصوت‌ها بر اساس کشیدگی آنها نیست، بلکه بر اساس پایداری آنهاست و *ã* پایدارترین مصوت در این گویش است. مصوت‌های ایرانی باستان در سیوندی بازتاب خاص خود را دارند، مانند سیوندی *i* از ایرانی باستان *\*i*، *\*u*، *\*ai*، *\*au*؛ و سیوندی *e* از ایرانی باستان *\*a*، *\*u*، *\*i*، *\*ã* در مجموع ۶ مصوت موجود در سیوندی با فارسی معاصر منطبق است.

از دیگر نکته‌های مهم در آواشناسی سیوندی، تحول تاریخی *t* میان مصوتی (از طریق *\*d*) به *y* است: سیوندی *viyãrdãn* «آوردن» از ایرانی باستان *\*ui-tar-* و غیره. این تحول در صامت سبب تغییر مصوت پیش از آن می‌شود. از آن جمله است: ایرانی باستان *\*ã* < سیوندی *e: dýeš* «او داد» از ایرانی باستان *\*dãta-* از *\*dã* «دادن»؛ اما بسنجید با *š dã* «او داد»، که در آن، این تغییر رخ نداده است، زیرا صامت پایانی آن حذف شده است. مفصل‌ترین بخش کتاب به صرف اختصاص دارد. در اینجا به برخی از مطالب مهم این بخش اشاره می‌کنیم. اگرچه مقوله جنس دستوری در سیوندی از بین رفته است، بازتاب آن را می‌توان در نظام اسم یافت. در گفتار بزرگسالان، در توالی مضاف و

25) Molchanova E.K., "Sivendi" OIYA, 1997.

26) Molchanova, E.K., "Sivendi yazyk/dialekt", Yazyki mira. Iranskie yazyki. II. Severo-zapadnye iranskie yazyki. M., 1999.

مضاف الیه، ادات اضافه با توجه به جنس مضاف متفاوت است: *-ā* (مؤنث)، *-i* (مذکر)، مانند *žen-ā u* «زن او»، *pil-i siyā* «پول سیاه (خرد)». اما در گفتار نسل جوان و میان‌سال، این ویژگی کهن، تحت تأثیر فارسی، از میان رفته و ادات اضافه مذکر *-i* عمومیت یافته است.

ساخت گویش سیوندی، صرفی-تحلیلی با عناصر پیوندی است. نشانه‌های پیوندی مقوله شمار (*-gäl, -gär*) و نشانه معرفه (*-c, -ü*) متأخرند.

نظام فعل در گویش سیوندی بر تقابل ستاکهای حال و گذشته استوار است. مؤلف بر آن است که ستاکهای گذشته مختوم به *-i, -ā* برگرفته از ستاکهای حال هستند، مانند *pors-, porsī* «پرسیدن»؛ *jek-: jekā* «دویدن»، *tärs-: tärsā* «ترسیدن»، *kiš-: kišā* «آوردن؛ بردن». این موارد را می‌توان با ستاکهای گذشته فارسی میانه و پارتی مختوم به *-īd* و *-ād* مقایسه کرد (فارسی میانه مانوی *tirs-: tirsād* «ترسیدن»). در ستاکهای سیوندی مختوم به *-i, -ā* پیش از مصوت پایانی تغییرات قاعده‌مندی حاصل می‌شود: ایرانی باستان *-t-\** سیوندی *y*، مانند سوم‌شخص مفرد گذشته *jekā*، اما اول‌شخص مفرد *jekeyām*.

نظام فعل سیوندی آمیزه‌ای از ترکیب و تحلیل است. در صیغه‌های زمان حال ترکیب مسلط است. گذشته افعال لازم با استفاده از شناسه‌های شخصی که به ستاک گذشته می‌پیوندند ساخته می‌شود. اما گذشته افعال متعدی به کمک ضمائر شخصی متصل که قابل جابه‌جایی هستند ساخته می‌شود. این ضمائر عبارت‌اند از: اول‌شخص مفرد *m(c)-*، دوم‌شخص مفرد *t(c)-*، سوم‌شخص مفرد *š(c)-*. اول‌شخص جمع *mā(c)-*، دوم‌شخص جمع *tā(c)-*، سوم‌شخص جمع *šā(c)-*. بنابراین، هر دو گونه *m fārd* و *fārd-em* به معنی «خوردم» امکان‌پذیر است.

استفاده از ضمائر متصل، به صرف فعلهای لازم نیز سرایت کرده است، مانند *ameym* «آمدیم» (با شناسه صرفی)، اما *kāt-emā* «افتادیم» (با ضمیر شخصی متصل). در اول‌شخص مفرد معمولاً شناسه شخصی حفظ شده است: *me-kāt-ām* «من افتادم»، اما *m-kāt-em* هم می‌تواند به همان معنی باشد.

مؤلف در بخش واژگان (ص ۱۱۷-۱۱۹) دسته‌بندی مختصری از واژه‌های سیوندی به دست داده است. به نوشته مؤلف، از دیرباز واژه‌های ایرانی در گویش سیوندی رواج

داشته است و به سبب تحولات تاریخی خاص سیوندی به دشواری می‌توان برخی از این واژه‌ها را شناسایی کرد، برای نمونه: *espe/esbe* «سگ»، *färm* «خواب»، *uir* «آتش»، *vätän* «گفتن» و *vel* «گل سرخ».

تغییر معنی برخی از واژه‌ها در سیوندی جالب توجه است، مانند *ärzāni* «هدیه»، *mägäs* «زنبور عسل» و *heyvā(n)* «گوسفند». مؤلف پس از به دست دادن چند واژه دخیل فارسی، ترکی و اروپایی در سیوندی، فهرستی موضوعی نیز از واژه‌های سیوندی (گیاهان، جانوران...) به دست داده است.

در پایان این بخش، برای نشان دادن شباهت سیوندی با کردی، به مقایسه چند واژه کردی و سیوندی پرداخته است.

فصلی از کتاب به متنهای سیوندی اختصاص داده شده است (ص ۱۲۰-۱۳۳). در این فصل، هفت متن به سیوندی همراه با ترجمه به زبان روسی آمده است. همه متنها، به جز متنهای VI و VII تکیه‌گذاری شده‌اند.

پژوهندگان روسی، در طی سده گذشته، بر روی زبانها و گویشهای ایرانی پژوهشهای ارزشمندی کرده‌اند. استفاده از این منابع و ترجمه آنها بسیار مهم و راهگشاست. کتاب سیوندی خانم مالچانوا نیز از این دست منابع به شمار می‌رود، به‌ویژه آنکه اثر معتبری درباره سیوندی به زبان فارسی وجود ندارد.

□